

اوقات فراغت

نیازمند توجه بیشتر

مجتبی سلطانی

اشاره

فرا رسیدن تابستان و تعطیلات مدارس همه ساله یادآور واژه‌ای است به نام «فراغت» و تعبیری با عنوان «اوقات فراغت». در این ایام، بزرگترین قشر جامعه یعنی محصلین درگیر این «اوقات» هستند. تعدادی از مسئولین نیز به فراخور مسئولیتشان سرگرم برنامه‌ریزی برای آن هستند. امید آن‌که این نوشته، که حاصل گفت‌وگو با تعدادی از جوانان است، بتواند راهنمایی برای برنامه‌ریزان اوقات فراغت باشد.

□ الف. «اوقات فراغت» چیست؟

اولین مطلبی که در گفت‌وگو با برخی از جوانان جلب توجه می‌کرد تفاوت نگاه افراد به اوقات فراغت بود. برای برخی افراد مثل: محمد کریمی که از صبح اول وقت تا آخر شب مشغول کار هستند اصلاً واژه «فراغت» معنایی ندارد.

حسن باقری که شبانه‌روز در حال پیگیری مسائل کاریش می‌باشد، فقط فراغت را روزهای جمعه - آن‌هم بعضی هفته‌ها - می‌داند.

محمود نوروزی، دانشجوی دانشگاه تبریز، تعطیلات میان ترم و تعطیلات تابستان را - البته اگر مجبور نباشد ترم تابستانی بگیرد - اوقات فراغت می‌نامد. نفیسه راد دانشجوی دانشگاه اصفهان در طول ترم هیچ فرصتی را به عنوان فراغت نمی‌داند. چون فرستگاه از خانواده‌اش دور شده است، فقط به تحصیل فکر می‌کند و دیگر هیچ.

هادی ابراهیمی، حمید جعفری و علی شریعتی هر هفته جمعه‌ها، روزهای تعطیل، ایام عید و سه ماه تابستان را «اوقات فراغت» می‌دانند. در حالی‌که حسین بیگدلی، معلم، با لبخندی معنادار می‌گوید: حاضرم اوقات فراغت دیگران را بخرم!

از بین افرادی که با آنها گفت‌وگو کردیم عده‌ای نیز فقط چند ساعت در روز را که از کارهای روزمره فارغ می‌شدند جزو اوقات فراغت خود می‌دانستند.

در مجموع «فارغ بودن از دغدغه اصلی زندگی اعم از کار، تحصیل و... شرط اصلی افراد در تعریف اوقات فراغت است. بنابراین، می‌توان اوقات فراغت را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. روزانه ۲. هفتگی ۳. ماهانه ۴. سالانه

دیدار / شماره ۱۳ / تیرماه ۱۳۸۰

□ ب. «اوقات فراغت» چه کارایی دارد؟

این که اساساً اوقات فراغت به چه کار می‌آید، آیا لازم است یا خیر، سؤال است که پاسخ‌های جوانان به آن شنیدنی است:

برای آنهایی که بیشتر سرگرم کار روزانه هستند و یا به دلیل فشارهای اقتصادی و یا طمع زیاد مجبورند هر روز بیش از روز قبل کار کنند، «اوقات فراغت» هیچ ضرورت و کارایی ندارد.

برای کسانی که در طول سال فعالیت‌های مختلفی دارند، هر کار به عنوان فراغت از کار دیگر به حساب آمده و نیازی به اوقات فراغت احساس نمی‌شود.

عده‌ای نیز مانند خانم زارعی خانه‌دار هستند و از اوقات فراغتشان برای سرو سامان دادن به گلخانه، باغچه و...

استفاده می‌کنند. آنها دوست دارند اوقاتی را که همسرشان فارغ از کار روزانه است به مسافرت، تفریح و... بپردازند، و اگر تنها در منزل باشند رغبتی به استفاده از اوقات فراغت نشان نمی‌دهند.

در استفاده از «اوقات فراغت»

تفاوت‌های زیادی بین افراد وجود دارد. در

این زمینه جالب است اوقات فراغت چند

جوان را با هم مقایسه کنیم:

آقایان حسین کابلی، محقق، مجید جهانی،

هنرجو و محمد شریفی، محصل قسمتی از وقت فراغتشان را برای

تماشای تئاتر صرف می‌کنند. در حالی که، علی که بازیگر تئاتر است

ترجیح می‌دهد در وقت بیکاری به تماشای فیلم‌های سینمایی مشغول

باشد. آقای حسینی کارگردان سینما در اوقات فراغت داستان می‌خواند و

آقای ربّانی، داستان نویس در اوقات فراغت به پارک می‌رود، در حالی که

آقای غلامی، که متصدی قسمتی از پارک‌بازی است، دوست دارد وقت‌های

بیکاری‌اش را ورزش کند و...

البته ذکر این نکته نیز جالب توجه است که با وجود تفاوت نوع

استفاده از اوقات فراغت در میان جوانان یک وجه مشترک نیز وجود دارد

و آن تماشای برخی سریال‌های تلویزیونی است.

به عبارت دیگر، می‌توان گفت که تنها تفاوت در اوقات فراغت هفتگی،

ماهانه و سالانه است و تقریباً همه در وقت فراغت روزانه اشتراکاتی

دارند. تفاوت در استفاده از اوقات فراغت بیشتر در اوقات سالانه مشهود

است. به عنوان مثال، کلاس قرآن، آموزش نظامی، آموزش شنا و دیگر رشته‌های ورزشی از جمله فعالیت‌های بسیاری از محصلان در طول تابستان است. در حالی که، عده‌ای دیگر ترجیح می‌دهند سه ماه تعطیلات تابستان را مشغول کسب و کار باشند.

در یک نگاه کلی، شاید به نظر برسد که برنامه‌ریزی برای اوقات

فراغت بدلیل این تفاوت‌ها امکانپذیر نیست، اما در یک تقسیم‌بندی

می‌توان این مشکل را حل کرد: اوقات فراغت عمومی یا

مشترک و اوقات فراغت صنفی.

اوقات فراغت

عمومی مانند جمعه‌ها

و ایام تعطیل تقریباً بین

همه افراد مشترک است. اما

اوقات فراغت صنفی اختصاص

به یک صنف و گروه خاصی دارد:

مانند تعطیلات پایان ترم برای

دانشجویان یا مرخصی‌های ماهانه و

سالانه برای کارمندان و... بنابراین، لازم

است که مسئولان در برنامه‌ریزی خود این

نکته را نیز لحاظ کنند.

□ ج. برنامه‌ریزی برای «اوقات

فراغت» چه ضرورتی دارد؟

یک دانشجوی سال آخر دوره کارشناسی را که در آستانه

فارغ‌التحصیلی است در نظر بگیرید. این دانشجو از ابتدای تحصیل در

دبستان تاکنون بالغ بر ۱۳۰۰ روز تعطیلات عمومی (جمعه و ایام تعطیل)

داشته است. یعنی بیش از سه سال و نیم. تعطیلات تابستانی او تا پایان

دوره متوسطه ۳۶ ماه بوده است. یعنی سه سال. و تعطیلات تابستانی

دوران دانشگاهش، به اضافه تعطیلات میان ترم، چیزی در حدود ۱۰ ماه

است یعنی این دانشجو جمعاً حدود ۷/۵ سال وقت فراغت از تحصیل

داشته است. البته، توجه داشته باشید که نیمی از روز را که کلاس درس

تشکیل نمی‌شود به حساب کارهای روزانه و مطالعه گذاشته‌ایم.

محاسبه اوقات فراغت یک کارمند، یک زن خانه‌دار و یا جوانی که



جویای کار است و نه شاغل است و نه محصل نیز به همین ترتیب امکان پذیر است. حاصل هر چه باشد بدون تردید رقم قابل توجهی است.

حال تصور کنید اگر مهر داد که دانشجوی سال آخر رشته آبخیزداری است، تمام اوقات فراغتش را به فراگرفتن یک زبان خارجی پرداخته بود. آیا مسلط به آن زبان بود. یا اگر خانم امانی که فارغ التحصیل رشته رادیولوژی است، به آموختن یک رشته هنری پرداخته بود آیا در حد بهترین‌های آن رشته بود.

بدین ترتیب، دیگر شکی باقی نمی ماند که اوقات فراغت می تواند نقش مهمی در زندگی فرد داشته باشد.

از سوی دیگر، ذکر این نکته نیز ضروری است که برنامه های اوقات فراغت به دلیل عدم اجبار در آن ها از جذابیت خاصی برخوردار است و چون انگیزه فرد برای استفاده از این برنامه ها بیشتر است بازدهی بیشتری نسبت به برنامه های عادی و روزمره خواهد داشت.

□ د. نگاهی به برنامه های موجود، اوقات فراغت

در برنامه ریزی برای اوقات فراغت باید اوقات فراغت عمومی را جداگانه مورد بحث قرار داد. این ساعات چون بین اقشار مختلف یکسان است، نیازمند برنامه هایی است که همه اقشار را راضی کند. تجربه نشان می دهد که اغلب دوست دارند این اوقات را به استراحت، تفریح و سرگرمی بپردازند. بنابراین، ایجاد فضاهای فرهنگی، تفریحی سالم نظیر پارک، موزه، نمایشگاه، سینما و... می تواند در این زمینه مؤثر باشد، که متأسفانه در حال حاضر در بیشتر شهرهای کشور از این لحاظ دچار مشکل هستیم.

اما در مورد اوقات فراغت صنفی این مشکل بسیار حادتر است به طوری که بسیاری از گروه ها اوقات فراغت خاص خود را نیز به ناچار به استراحت یا استفاده از امکانات محدود تفریحی صرف می کنند.

برخی گروه ها نیز مانند دانش آموزان به برنامه های خاص خود که از سوی برخی نهادها برگزار می شود می پردازند. این نکته نیز جالب توجه است که بسیاری از این فعالیت ها به طور موازی از سوی نهادهای مختلف برگزار می شود.

مصطفی آشوری کلاس دوم راهنمایی، علی نوری کلاس سوم دبیرستان و فاطمه محضری کلاس سوم راهنمایی از کلاس های

تابستانی به شدت ناراضی اند. مصطفی می گوید: از کلاس دوم ابتدایی هر سال همین آموزش ها را دیده ایم فقط تفاوتش با سال های قبل در تغییر مربی و محل آموزش است.

علی نوری می گوید: اگر برنامه اردو و استخر شنا را از دوره ها حذف کنید دیگر کسی ثبت نام نخواهد کرد.

در مورد کلاس های دختران نیز همین تکرار در آموزش های گلدوزی، مرواریدبافی و... وجود

دارد. خانم انصاری نکته جالبی را یادآوری می کند: هنگام شروع یکی

از تابستان ها در تابلو

اعلانات اداره شان

نوشته شده بود: کلاس

خیاطی، گلدوزی و

جایگاه زن در

اسلام! گویی

مسئولان، تنها

به دنبال رفع

تکلیف

بوده اند نه

استفاده

صحیح از

اوقات

فراغت.



به روشنی این مسأله، با اندکی دقت و تأمل در برنامه‌های موجود که از سوی نهادهای مختلف برای تابستان امسال و مقایسه آن با برنامه

وزارت‌خانه‌ای نیز به عنوان «اوقات فراغت» تأسیس شود اقدام بیجایی

نخواهد بود. گام بعدی، شناسایی نیازهای کوتاه مدت و بلندمدت جامعه و نیازهای منطقه‌ای، استانی و محلی است. گام سوم، شناسایی استعدادها و قابلیت‌های نهفته در دانش‌آموزان و دیگر محصلان است. گام چهارم، مبتنی بر دو گام گذشته است؛ یعنی تعیین شیوه‌های آموزشی متناسب با مخاطبین و نیز مناسب با اوقات فراغت از جمله توجه به کلاس‌های عملی، کارگاهی، فعالیت‌های گروهی و... به گونه‌ای که برای هر فرد جذابیت خاص خود را داشته باشد. گام بعدی، تدوین سرفصل آموزش‌های مختلف می‌باشد. این مرحله موجب می‌شود که از کارهای پراکنده و موازی پرهیز شده و ضمن

جلوگیری از تکرارهای بیهوده، آموزش‌های هر سال مکمل آموزش‌های سال گذشته باشد. گام ششم، تربیت و شناسایی و آموزش مربیان صلاحیت‌دار و مجرب است. این کار می‌تواند بازدهی کلاس‌ها را افزایش داده و تجربیات مربیان را نیز در طول سال‌های مختلف برای بهبود آموزش بکار گیرد. گام آخر، فراهم آوردن امکانات می‌باشد. امکاناتی که متناسب با شیوه‌ها، مخاطبین و نیازها باشد.

□ و. حرف آخر

دستپاچی نهادهای مسؤول در ابتدای هر تابستان و برنامه‌ریزی‌های بدون مطالعه و اهمیت دادن به کمیت آموزش‌ها به جای کیفیت و به کارگیری نیروهای دمدستی نه تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه خود مشکلات دیگری را نیز ایجاد می‌کند.

امید است مسؤولان بیش از پیش به فکر «اوقات فراغت» افراد جامعه باشند و برنامه‌ریزی برای این اوقات گران‌بها را در «اوقات فراغتشان» انجام نداده و دغدغه اصلی خود بدانند. باشد که از این رهگذر بسیاری از مشکلات جامعه‌مان مرتفع گردد.

جوانان نیز باید مسؤولان را از خود بدانند و فراموش نکنند همکاری و همفکری می‌تواند موجب تسریع در حل مشکلات و رسیدن به اهداف عالی‌ه باشد.

به امید آن روز

**یک دانشجو
وقتی
فارغ التحصیل
می‌شود چیزی
حدود ۷/۵ سال
«وقت فراغت» را
پشت سر گذاشته
است.**



سال‌های گذشته تدارک دیده شده بود، به دست می‌آید.

□ ه. برنامه‌ریزی صحیح و اصولی

نخستین قدم برای یک برنامه‌ریزی صحیح و اصولی تعیین مرکزی است به عنوان محور در تصمیم‌گیری. در این مورد حتی اگر سازمان یا